

جنبش سندیکایی در ایران

در کشورهای عقب افتاده ای چون ایران که در آن فنودالیزم هنوز ریشه کن نگشته است، در کشوری که قشر ارتجاعی مالکین ارضی به حمایت روحانیون نادان سیادت می کنند، در کشوری که سرمایه دار و رباخوار درنده بر اعماق مناسبات اقتصادی سایه افکنده است، در چنین کشوری جنبش سندیکایی مطمئناً نمی توانست به درجه ی انکشاف- برابر آن چه در سایر کشورهای سرمایه داری حاکم است- برسد. از جانب دیگر، حالت ابتدایی صنایع از یک سو و نادانی سیاسی توده های زحمت کش از سوی دیگر، اجازه نمی داد که در قلمرو سندیکایی کار فعالی انجام پذیرد.

نخستین کوشش ها برای سازمان دهی سندیکایی در ایران به سال ۱۹۰۶؛ در زمان نخستین انقلاب (جنبش مشروطه)، هنگامی که کارگران چاپ خانه های تهران تحت نفوذ نیرومند حزب دمکرات نخستین اتحادیه ی خود را ایجاد کردند، انجام گرفت. بعدها هنگامی که ارتجاع در سرکوب بیداد می کرد و حزب دمکرات انحطاط یافت، هنگامی که رهبران آن با تحصیل مقام وزارت به محافظین با وفای تاج و تخت ایران بدل گشتند، این سندیکا بدون آن که نتایج جدی بی کسب کرده باشد، منحل گشت. این وضع بدون تغییر تا سال ۱۹۱۸، هنگامی که سراسر شمال ایران را قحطی شدیدی فرا گرفت و مرگ

صدها هزار نفر را موجب گشت و گرانی (هزینه ی) زندگی روز افزون توده های وسیعی را تهدید می کرد، دوام یافت.

در این هنگام است که کارگران چاپ خانه ها، اقدام به سازمان دادن افراد طبقه ی خود نمودند. اینان پس از اقدام به چند اعتصاب، دولت را مجبور ساختند بر قرارداد دسته جمعی ای که تنظیم کرده بودند و مناسبات بین کارگران و کارفرما را تعیین می کرد، صحه گذارد. ایشان هم چنین موفق گشتند بهبودی چند را در وضع اقتصادی شان تحصیل کنند. این قرارداد، روز هشت ساعت کار، مقرارت استخدام و اخراج کارگران، و نرخ اضافه کار را معین ساخت و بهبود وضع بهداشتی کار در چاپ خانه و غیره را مطالبه کرد.

این موفقیت نسبتاً قابل ملاحظه ی کارگران چاپ خانه ها، روحیه ی کارگران حرف دیگر را که سازمان دهی سندیکاهای خود را آغاز نموده بودند، به مقدار قابل ملاحظه ای ارتقا داد. اتحادیه ی کارگران نانویی ها (خبازان)، کارگران دست بافی ها و پست و تلگراف و تلفن و بالاخره اتحادیه ی کارگران کفاشی ها، یکی پس از دیگری تأسیس شدند. شورای اتحادیه های تهران به سال ۱۹۲۰ تشکیل گردید و وظیفه یافت اتحادیه های کارگری را رهبری کند، آموزش دهد و اتحادیه های جدیدی را سازمان دهد. این شورا از سه نماینده از هر اتحادیه تشکیل می شد.

در آغاز ۱۹۲۲، ده سندیکا با ده هزار عضو کارگر، یعنی ۲۰ درصد از کل کارگران تهران، در شورای سندیکایی عضویت داشتند. به غیر از سندیکای فوق الذکر، چندین سازمان کارگری دیگر نیز در شرف تشکیل بود، چون سندیکای داروسازان و کارگران تراموا و غیره.

نمونه‌ی تهران به زودی از طرف شهرستان دنبال شد. دو سال پیش، در تبریز اتحادیه‌ی ای از کارگران به نام «حزب کارگر» تشکیل گردید. این سازمان بسیاری از ویژگی‌های خاور زمین را با برجستگی‌های بسیاری منعکس می‌سازد. با این همه، موافق نظام نامه‌ی این حزب کارگری، تنها کسانی می‌توانند به عضویت آن در آیند که از استثمار دیگران زندگی نمی‌کنند. در اواخر ۱۹۲۱، این سازمان در حدود ۳ هزار عضو داشت، ولی نفوذ آن به حد اعضایش محدود نمی‌گشت. در تبریز هم چون در سایر شهرهای بزرگ خاور زمین، کاسب کاران و صنعت‌گران بخش مهمی از جمعیت را تشکیل می‌دهند. قانون اسلام، تجارت را حرفه‌ای محترم (وزین) می‌شمرد. هر مؤمن نیکی با اشتیاق به تجارت مشغول می‌شود. در مرکز شهر، دالان‌های آجرین، نوعی سرا، با ورودی و خروجی به همه‌ی جهات شهر ساخته شده‌اند. در این جا در مغازه‌های کوچک اجاره‌ای، کاسب کاران کوچک مانند قنادان، کفاشان، زرگران و غیره لول می‌زنند (مملواند). هر حرفه‌ای، بخش معینی از این سرای عظیم را که «بازار» نام دارد. اشغال می‌کند. بازار تبریز، ۱۷ هزار مغازه، انبار و کارگاه و غیره دارد که از آن، ۱۳۰۰ به مالکان کوچک که هم نوعان خود را به مثابه کارگر استثمار نمی‌کنند و از منافع تجاری امرار معاش می‌کنند، تعلق دارد. اینان با استفاده از موقعیت انحصاری خویش به طور نوبتی کرایه‌ی مغازه‌ها را افزایش می‌دهند و برخی اوقات آن را تا حد نرخ مسخره‌ای بالا می‌برند. نتایج چنین روشی به هنگام بحران تجاری پس از جنگ اول جهانی، بحرانی که به شمال ایران که منحصراً از طریق تجارت با روسیه زیست می‌کرد، بیشتر از هر جای دیگر لطمه وارد ساخت، هر چه بیشتر محسوس می‌گردید.

اتحادیه ی کارگر (حزب کارگر) به منظور تشدید تضاد بین مالکین بزرگ و صاحبان مغازه های کوچک بازار، تصمیم گرفت اینان را بر حسب حرفه یشان متشکل سازد. جلسه ی نمایندگان حرفه، دفتر عمومی ای انتخاب نمود که مسایل مهم را در توافق با دفتر اتحادیه ی تبریز حل می نمود. بدین سان نه تنها رهبری ایدئولوژیک، بلکه هم چنین رهبری عملی این سازمان وسیع که به دور خود بیش از ۱۲ هزار عضو گرد آورده است، در دست اتحادیه (حزب کارگری) است مهم ترین تصمیمات، ممهور به امضای ارگان اجرایی اتحادیه (حزب کارگری) است. مثلاً در سال گذشته بنا بر پیشنهاد اتحادیه، در بازار تخفیف ۲۰ درصدی کرایه ی مغازه از طریق انقلابی تحقق یافت. و از این جاست خشم صاحبان مستغلات بازار تبریز. ولی اینان قادر نبودند کاری کنند، زیرا هر مغازه با تکیه به تصمیم حزب کارگری قاطعانه از پرداخت بیش از ۸۰ درصد کرایه ی سابق سر باز زد. ابتدا مخبرالسلطنه به نمایندگی دولت با توجه به محبوبیت عمومی اتحادیه، کوشش مجدانه به عمل آورد تا این سازمان را زیر نفوذ خود در آورد. ولی بدان موفق نگشت. و بهتر از آن این که در اکتبر سال گذشته (۱۹۲۱) به دنبال ضرباتی که شهردار شهر به یکی از اعضای این سازمان وارد ساخته بود، اختلافی بین استان دار و حزب کارگری رخ داد. حزب از استان دار خواست شهردار را بر کنار سازد و شخص دیگری را به جای وی منصوب کند. استان دار مقاومت نمود... جریان نزدیک بود به بستن بازار کشانده شود. (در ایران بستن بازار از نظر اهمیت، اقدامی است مهم تر از اعتصاب عمومی). در آخر، استان دار امتیازاتی به سود حزب کارگری قائل شد و مسأله خاتمه یافت.

در سایر مناطق ایران، اتحادیه های کارگری مطابق همان روش تهران سازمان داده شده اند. نیرومندترین در میان آن ها عبارتند از اتحادیه ی کارگران و کارمندان شیلات دریای مازندران. این اتحادیه، ۵ هزار عضو دارد. تعداد معمولی کارگران در حدود ۹ هزار نفر است. در رشت، انزلی و قم و غیره نیز اتحادیه ی کارگری وجود دارد. در مجموع در ایران، ۲۰ هزار کارگر سازمان داده شده وجود دارد. چنین انکشافی برای اتحادیه های کارگری، وضع اقتصادی بسیار سختی را که کارگران ایرانی با آن دست به گریبانند، توضیح می دهد. اتحادیه های کارگری ایران، علی رغم جوانی شان، در نیمه ی دوم سال ۱۹۲۱ چندین اعتصاب بسیار موفق سازمان دادند. از آن جمله باید اعتصاب خبازان، کارگران چاپ خانه ها، کارگران ریسندگی ها، پست و تلگراف را یاد کرد.

در انزلی، اعتصاب کارگران بندر سازمان داده شد. همه ی این اعتصابات ماهیتی صرفاً اقتصادی داشتند. و اما در مورد اعتصاب معلمین (ژانویه ۱۹۲۲) که ۲۱ روز به طول انجامید، این اعتصاب سرانجام شکل یک نمایش واقعاً سیاسی علیه دولت را به خود گرفت. دولتی که به مدت ۶ ماه پرداخت حقوق آنان را متوقف ساخته بود. نمایشات به مدت سه روز ادامه یافت. در این تظاهرات، دانش آموزان نیز به تعداد زیادی شرکت داشتند. هیجان عمومی در تهران به حد اعلای رسیده بود. عاقبت دولت شتافت و به معلمین وعده داد حقوق آنان را بپردازد. ولی دیگر بسیار دیر شده بود. یک تظاهر عظیم، که در تاریخ ایران نخستین نمایش بزرگ به حساب می آید، موضع کابینه ی قوام السطنه را که از قبل متزلزل بود، درهم کوفت و وی را مجبور به استعفا

ساخت. کابینه ی لیبرال مشیرالدوله جای وی را گرفت و قول داد یک سلسله اصلاحات رادیکال را متحقق سازد.

با این که اتحادیه های کارگری در ایران از شخصیت حقوقی برخوردارند، مقامات دولتی موانع بسیار بر سر راه انکشاف آن ها ایجاد می کنند. این مریبان (مستشاران) اروپایی هستند، که بیش از همه در این مورد سرکوب شدید را به مورد اجرا می گذارند. یک سوئدی به نام مولیتور، که مدیر پست و تلگراف است، توانست انحلال موقتی اتحادیه ی کارمندان اداره ی تلگراف را فراهم آورد و سپس کوشید پست چیان را نیز مشمول همین سرنوشت سازد.

این مبارزه ای طولانی بود. پست چیان جزوه ای علیه مولیتور منتشر ساختند و برکناری وی را خواستار شدند. مسأله در مجلس مطرح گردید. دولت جانب فونکسیونر خود را گرفت. اتحادیه های کارگری به کار تهییجی خود ادامه دادند. در این زمان کابینه ی قوام السلطنه طی تصویب نامه ای شرکت کارمندان دولتی در اتحادیه های کارگری را ممنوع ساخت. این تصویب نامه خشم و نفرت توده های مردم را برانگیخت و به سقوط کابینه منتهی شد.

بدین سان، اتحادیه های کارگری ایفای نقش نسبتاً قابل ملاحظه ای را در زندگی سیاسی ایران آغاز می کنند. دفتر مرکزی اتحادیه های کارگری که در نوامبر ۱۹۲۱ پایه گذاری شد، اکنون مشغول سازمان دهی کارگران معادن نفت جنوب ایران، کارگران روزمزد و هم چنین کارگران سایر رشته هاست. دفتر مرکزی وظیفه ی سنگینی به عهده دارد: سازمان دهی توده ها در کشور عقب افتاده ای چون ایران که اوضاع و احوال ویژه ی

زندگی، شیوه های سازمان دهی ویژه ای را می طلبید که نسبت به آن چه پس از ده ها سال فعالیت سندیکایی در کشورهای اروپایی متداول گشت، تا حدی متفاوت است.

ما امیدواریم که با حمایت بین الملل سندیکاهای سرخ، جنبش سندیکایی ایران وظایفی را که در برابر دارد، با موفقیت به انجام برساند.

منتشره در آثار آ. سلطان زاده، «اسناد تاریخی جنبش کارگری، سوسیال دموکراسی و کمونیستی ایران»، جلد چهارم، به همت خسرو شاکری، ترجمه از متن فرانسوی، (L internationale Syndicale Rouge, Avril-Mai) ۱۹۲۲ د، ک.

بازنویس: یاشار آذری

آدرس انترنتی کتابخانه: <http://www.iwsn.org/nashr.htm>

آدرس پستی: BM IWSN, London WC1N ۳XX, UK

ایمیل: yasharazarri@yahoo.com

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری

تاریخ بازنویسی: ۱۳۸۵